

تاریخ و تمدن اسلامی، سال یازدهم، شماره بیست و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۷۱-۱۹۲

نخستین آشنایی مسلمانان شبه‌قاره هند با اندیشه وهابیت^۱

محسن معصومی

استادیار دانشگاه تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

محمدعلی کاظم بیگی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

فرهاد حاجری^۲

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

چکیده

با گسترش جنبش موسوم به جنبش وهابی در جزیره‌العرب، سایر مسلمانان جهان اسلام به این جنبش واکنش نشان دادند و آراء محمد بن عبد الوهاب در بین مسلمانان، مخالفان و موافقانی جدی یافت. به نظر می‌رسد خبر پیدایش این جنبش در همان سال‌های آغازین شکل‌گیری، به گوش مسلمانان شبه‌قاره هند هم رسیده بود. با ورود اندیشه‌های محمد بن عبد الوهاب به شبه‌قاره، برخی از مسلمانان هندی «وهابی» خوانده شدند؛ ولی معنای این اصطلاح، در ابتدا روشن نبود؛ گفته‌اند صفت «وهابی» اتهامی بود که دولت بریتانیا برای مقابله با مخالفان برضد آنها رواج داد. چنان‌که جنبش جهادی سید احمد بریلوی، در نیمه اول قرن سیزدهم در بین انگلیسی‌ها، به‌عنوان حرکتی شناخته شد که درصدد ترویج آراء وهابیان در هند بوده است؛ اما این نظر مقبول مسلمانان نبود. از این رو، چگونگی ورود عقاید جنبش وهابی و آشنایی برخی مسلمانان شبه‌قاره هند با آن، چندان روشن نیست. این مقاله در پی آن است تا با بررسی جنبش سید احمدی بریلوی و نقد دیدگاه‌های مرتبط با آن و هم‌چنین بررسی برخی رویدادهای مهم هم‌زمان، با رویکردی تاریخی، به این سؤال پاسخ دهد که نخستین آگاهی‌ها و آشنایی مسلمانان شبه‌قاره هند با جنبش وهابیت، چگونه و از چه طریق بوده است؟

کلیدواژه‌ها: سید احمد بریلوی، شبه‌قاره هند، فرائضیه، وهابیت در هند.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۵

۲. رایانامه، مسؤول مکاتبات: farhadhajari@yahoo.com

مقدمه

جنبش وهابیت به حرکت اصلاح‌گرانه‌ای اطلاق می‌شود که محمد بن عبد الوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶ه/۱۷۰۳-۱۷۹۳م) در درعیّه، یکی از شهرهای کوچک منطقه نجد عربستان، در سال ۱۱۵۸ه/۱۷۴۶م با اتحاد با محمد بن سعود (د ۱۱۷۹ه/۱۷۶۵م)، حاکم محلی آن شهر به‌راه انداخت.^۳ این جنبش را مخالفان وهابیه، وهابیون، وهابی و... خواندند تا آن را به‌عنوان مذهبی جدید بشناسانند و باورهایش را تنها منسوب به شخص محمد بن عبد الوهاب منسوب بدانند. به هر رو، اصطلاح وهابیت به‌سرعت رواج یافت و موافقان جنبش و نیز نویسندگان و پژوهشگران به‌گسترده‌گی آن را مورد استفاده قرار دادند.^۴ زرکلی بر آن است که اصطلاح وهابی، که دشمنان این جنبش به کار گرفتند، نزد پژوهشگران اروپایی نیز رواج یافت و برخی از آنها به‌اشتباه این جنبش را مذهبی جدید پنداشتند و در فرهنگ‌نامه‌های جدید اروپایی نیز این معنای نادرست به‌کار گرفته شد. به نوشته او، این افترا به توسط دشمنان ابن عبدالوهاب به‌ویژه عثمانی‌ها دامن زده شد.^۵ طرفداران جنبش محمد بن عبدالوهاب، که از اطلاق وهابیت بر این جنبش ناخرسند بودند^۶ خود را «اهل توحید»، «محمودون» و «موحدون» می‌خواندند.^۷

نخستین بار در نیمه نخست قرن سیزدهم/نوزدهم به‌علمایی که در هند حرکت جهادی را آغاز کردند و برخی از آنها نیز از حجاز بازگشته بودند، وهابی اطلاق شد. به‌نظر می‌رسد انگلیسی‌ها در اطلاق واژه وهابی به این گروه‌های جهادی، نقش مهمی داشتند. در

۳. ابن غنام، ۸۱-۸۶.

4. *EII*, S.V. "Wahhabiya", 1086; Burckhardt, 2:134.

۵. زرکلی، ۲۵۷/۶.

۶. ابن غنام، ۸۸؛ آلوسی، ۱۰۶.

6. *EII*, S.V., "Wahhabiya", 1086.

با توجه به این که بیشتر پژوهشگران، واژه وهابی و وهابیت را برگزیده‌اند، در این مقاله نیز این عنوان به کار برده شده است.

واقع انگلیسی‌ها برای مبارزه با مخالفان سیاست‌های خود، آنها را به وهابی‌گری متهم می‌کردند؛ با این حال در نیمه دوم قرن سیزدهم/ نوزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم/ بیستم، اندیشه‌های محمد بن عبد الوهاب که در حجاز و برخی دیگر از سرزمین‌های اسلامی شهرت زیادی یافته بود، در هند نیز طرفدارانی داشت. در همین دوره میان علمای مسلمان نجد و هند روابطی برقرار شد که زمینه‌ساز آشنایی بیشتر هندیان با دعوت وهابی گردید؛ اما این که عالمان هندی آشنا با وهابیت، خود پیرو محمد بن عبد الوهاب و وهابی بوده‌اند یا نه، همچنان مورد مناقشه نویسندگان و پژوهشگران است. مقاله حاضر پیش از آن که به دنبال اثبات یا ردّ وهابی بودن برخی از علمای مسلمان هند در آن دوره باشد، قصد دارد فرایند آشنایی این علما را با دعوت محمد بن عبد الوهاب، بررسی کند. در واقع اگر این فرایند به درستی بررسی و مطالعه گردد، موضوع وهابی بودن یا نبودن این علما نیز روشن خواهد شد.

مروری بر پیشینه بحث

درباره موضوع وهابیت در هند، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. دو پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد با عناوین بررسی وهابیت و نفوذ آن در شبه قاره هند (ابوالفضل پسندیده، ۱۳۷۴ش) و شیوه‌های نفوذ و گسترش وهابیت در شبه قاره هند (علی اکبر شریفی‌نیا، ۱۳۷۷ش) از این جمله است. از کاستی‌های این هر دو اثر که بسیاری از مطالب ایشان مشابه‌اند اینهاست: بی‌توجهی به زمینه‌های ورود وهابیت به هند و تمرکز بر فعالیت‌های دولت عربستان در این منطقه، اتکا به منابع و پژوهش‌های نامعتبر و عدم مراجعه به منابع اصلی و نگاه غیر تاریخی و صرفاً سیاسی به موضوع وهابیت در هند. بخشی از پایان‌نامه‌ای دیگر با عنوان بررسی سلفی‌گری در شبه قاره هند (حسن منتظری، ۱۳۸۸ش) نیز به بررسی ویژگی‌های فکری و شاخصه‌های اصلی سلفی‌گری در شبه قاره هند پرداخته است. این اثر آراء کلامی و فقهی عالمانی را که گرایش‌های سلفی (به معنای کلی آن و نه تنها وهابیت)

دارند بررسی کرده است. هم‌چنین در فصلی با عنوان «دعوت سلفیگری در هند بین موافقین و مخالفین»، نویسنده با طرح این نظر که تنها علمای اهل حدیث بودند که از دعوت محمد بن عبدالوهاب حمایت کردند، به بررسی آراء عالمان اهل حدیث و آثار آنها در ارتباط با وهابیت پرداخته است. استفاده از منابع کم‌اعتبار و فقدان نگاه تاریخی در این پایان‌نامه نیز دیده می‌شود. در مقاله‌ای با عنوان «شبه قاره هند؛ دیوبندی، بریلویه و رابطه آنها با وهابیت» (مهدی فرماینان، فصلنامه طلوع، ش ۶، تابستان ۱۳۸۲ش)، مفهوم اصطلاح «وهابیت» در شبه قاره هند بررسی شده است. در این مقاله، دیدگاه‌های فقهی و کلامی برخی از عالمان بزرگ شبه قاره چون شاه ولی‌الله دهلوی مورد مطالعه قرار گرفته و سپس چگونگی تأسیس مدارس دئوبندی، جماعت اسلامی و آراء سید احمد بریلوی، بررسی شده است. بی‌توجهی به زمینه‌های ورود وهابیت به شبه قاره هند و عدم مراجعه به پژوهش‌های معتبر به‌ویژه به مطالعات انگلیسی‌زبان، از کاستی‌های این مقاله است.

مقاله «ریشه‌های ناپیدای وهابیت در هند بریتانیا»^۸ از چارلز الن (مجله سیاست جهانی،^۹ ۲۰۰۵م) را نیز می‌توان برای مطالعه پیشینه این پژوهش مفید دانست. این مقاله در واقع گزارشی است از سخنرانی «الن» در سال ۲۰۰۵ در انجمن سلطنتی آسیایی در لندن که به زمینه‌های ورود وهابیت به هند و نگاه مسلمانان شبه قاره هند به این موضوع اشاره دارد.

پژوهش‌هایی که به زبان عربی درباره این موضوع صورت گرفته نیز از اهمیت زیادی برخوردار است؛ از جمله کتاب الدعوة السلفية في شبه القارة الهندية و اثرها في مقاومة الانحرافات الدينية، اثر عبدالوهاب خلیل الرحمن (۷-۱۴۰۶) که به دفاع از حدیث‌گرایی و سلفیگری و نقش این جنبش در مقابله با انحرافات دینی در هند پرداخته است.^{۱۰} برخی از

8. Allen, Charles, *The Hidden Roots of Wahhabism in British India*, World Policy Journal, 22: 2(2005), 87-93.

9. World Policy Journal

۱۰. خلیل الرحمن، مقدمه، ۱-۱۷.

مطالب این کتاب، با موضوع مقاله حاضر مرتبط است. اثر دیگر پایان نامه‌ای است با عنوان *الحركة السلفية في البنغال*، نوشته محمد مصلح الدین (ریاض، ۱۴۱۲) که نویسنده‌اش به دفاع از جنبش وهابیت و نقش آن در مقابله با شرک و بدعت در بنگال پرداخته و معتقد است همه جنبش‌های قرن سیزدهم/نوزدهم در هند متأثر از جنبش محمد بن عبد الوهاب بوده‌اند.^{۱۱} با این حال چگونگی ورود وهابیت به شبه‌قاره هند، در این اثر مغفول مانده است. اما مهم‌ترین و نزدیک‌ترین کتاب به موضوع مقاله حاضر، کتابی است با عنوان *دعوة الامام محمد بن عبد الوهاب بين مؤيديها و معارضيهها في شبه القارة الهندية*، تألیف ابوالمکرم بن عبد الجلیل (المملكة العربية السعودية، ۱۴۲۱هـ). این کتاب برای دفاع از جنبش وهابیت در هند، نوشته شده است. نویسنده به شرح حال کوتاهی از علمای اهل حدیث و مدارس دینی دثوبندیه پرداخته و دیدگاه آنها را درباره وهابیت بیان کرده است.^{۱۲} نویسنده که از تحصیل‌کردگان *جامعة السلفية* شهر بنارس در هند است و به منابع مهمی دسترسی داشته در پی ریشه‌یابی مخالفت‌ها و دشمنی‌ها یا دعوت وهابی برآمده است؛ او نیز چون نویسندگان آثار پیشین، از موضع کلامی و اعتقادی، اصرار دارد تا نشان دهد تمامی اهل حدیث در زمره موافقان جنبش وهابیت بوده‌اند.

نخستین آگاهی‌های عالمان مسلمان هند درباره وهابیت

اخبار مرتبط با جنبش وهابیت ابتدا چگونه به مسلمانان شبه‌قاره هند رسید؟ پاسخ به این پرسش، برای مطالعه اوضاع وهابیت در هند در نیمه اول قرن ۱۳/۱۹م راهگشاست. شواهد و قرائن نشان می‌دهد مسلمانان مکه در نخستین سال‌های دعوت محمد بن عبدالوهاب با اندیشه‌های وی آشنا بوده‌اند؛ از جمله می‌توان به رساله‌ای از شیخ عبد الوهاب بن احمد برکات الشافعی الازهری الطندتاوی به نام *كتاب ردع الضلالة و قمع الجهالة* (۱۱۵۶هـ

۱۱. مصلح الدین، ۴۴-۴۵.

۱۲. ابوالمکرم بن عبد الجلیل، ۳۱-۲۳۱.

۱۷۴۳/م) اشاره کرد که در رد اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب نوشته شد.^{۱۳} این رساله همراه با چند نوشته کوتاه دیگر، در مجموعه‌ای توسط احمد بن علی شافعی بصری معروف به قُبانی، از علمای معروف ضد وهابی در بصره، بازنویسی و گردآوری شد. اهمیت رساله طندتاوی از این جهت است که در مکه در سال‌های آغازین دعوت محمد بن عبد الوهاب نوشته شده است.^{۱۴}

در سال ۱۱۸۵/هـ/۱۷۷۱م ابن عبد الوهاب و امیرعبدالعزیز هدایایی را برای والی مکه ارسال کردند. والی مکه از آنان در خواست کرد، عالم و فقیهی را به مکه بفرستند تا با علما مناظره کند و ماهیت وهابیت را از زبان پیروان آن بشنوند. شخصی که از طرف وهابی‌ها، یا به قول ابن غنام، «اهل توحید»، به مکه فرستاده شد شیخ عبدالعزیز الحصین بود.^{۱۵} در سال ۱۱۹۷/هـ/۱۷۸۳م نیز جمعیتی حدوداً سیصد نفر از وهابیون به حج رفتند.^{۱۶} هم‌چنین در ۱۲۰۴/هـ/۱۷۹۰م شیخ عبدالعزیز الحصین به دعوت شریف مکه برای بار دوم به همراه نوشته‌ای از محمد بن عبد الوهاب به مکه رفت.^{۱۷} پس از مرگ محمد بن عبد الوهاب نیز، در سال ۱۲۱۱/هـ/۱۷۹۶م، برای بار سوم باز هم به درخواست والی مکه گروهی از وهابیون برای مناظره به حجاز رفتند.^{۱۸} رفت‌وآمدهای پیروان محمد بن عبدالوهاب به مکه، در کنار فتح حجاز به توسط وهابیان در سال‌های ۱۲۲۰/هـ/ ۱۸۰۵ و ۱۲۲۱/هـ/ ۱۸۰۶م تردیدی باقی

13. Traboulsi, 378.

۱۴. رساله طندتاوی در پژوهش‌های جدیدی که در ارتباط با تاریخ وهابیت انجام شده مورد توجه محققان این حوزه قرار گرفته است. برای نخستین بار، سامر طرابلسی، نسخه‌ای از این رساله را که در مجموعه نسخ خطی دانشگاه پرینستون موجود بوده است، در سال ۲۰۰۲م به چاپ رسانید. متن عربی این رساله ضمیمه مقاله طرابلسی منتشر شده است.

15. Traboulsi, 391-406.

۱۵. ابن غنام، ۱۳۶.

۱۶. همو، ۱۵۸.

۱۷. همو، ۱۷۳-۱۷۵.

۱۸. همو، ۱۹۷-۱۹۸.

نمی‌گذارد که اهالی مکه و حجاز در این سال‌ها به خوبی با این دعوت آشنا بوده‌اند. با توجه به حضور مسلمانان هندی در مکه و دیگر شهرهای حجاز در آن سال‌ها، شکی نیست که اخبار مرتبط با دعوت ابن عبد الوهاب از همان زمان‌ها، به هند رسیده بوده است. نیز چون وهابیان در ۱۲۱۶ هـ/ ۱۸۰۱ م به شهر نجف حمله کرده بودند، مسلمانان هند و به‌ویژه شیعیان نمی‌توانستند در برابر این حمله بی تفاوت باشند.

میرزا ابوطالب خان لندنی، از جمله مسلمانانی بود که در بین سال‌های ۱۲۱۳-۱۲۱۸ هـ/ ۱۷۹۸-۱۸۰۳ م از کلکته به اروپا سفر کرد. او در مسیر سفر خویش، از کربلا و نجف نیز دیدن کرد. وی پس از دو-سه سال اقامت در اروپا به هند بازگشت. او در سفرنامه‌اش از حمله وهابیان به شهرهای شیعیان خبر داده است و از هراس مردم نجف، بصره و شهرهای دیگر از حمله وهابی‌ها سخن گفته است.^{۱۹}

آقا احمد بهبهانی نیز که هم‌زمان با حمله وهابیون در نجف بوده است و چند سال بعد به هند رفته می‌نویسد: «در این اثنا آمدن سپاه ضلالت دستگاه جماعت وهابی عجب شور و فتوری در دل‌های مجاورین انداخت. مدت چهار ماه را در شب‌ها به قلعه مبارکه می‌رفتیم و تا صبح به کشیک و حفاظت مشغول می‌شدیم».^{۲۰} این شواهد نشان می‌دهد که اخبار جنبش وهابیت در زمان حیات محمد بن عبد الوهاب در نیمه دوم قرن ۱۲ / ۱۸ م، یا حداکثر در اوایل قرن ۱۳ / ۱۹ م، پیش از فتح مکه و مدینه از سوی وهابیون، به شبه قاره هند رسیده بوده است.

۱۹. میرزا ابوطالب خان، ۴۰۸-۴۱۳.

۲۰. بهبهانی، ۲۱۱-۲۱۰/۱.

وهابیت در شبه قاره هند، نیمه نخست سده سیزدهم/دوازدهم

برخی از پژوهشگران انگلیسی، آغاز ورود عقاید وهابیان را به هند با حرکت جهادی سید احمد بریلوی^{۲۱} (۱۲۰۱-۱۲۴۶ه/۱۷۸۶-۱۸۳۱م) مرتبط دانسته‌اند. سر ویلیام ویلسون هانت^{۲۲} (۱۸۴۰-۱۹۰۰م) از ماموران دولت انگلیس در بنگال و نویسنده کتاب مسلمانان هند^{۲۳} از نخستین کسانی بود که به این موضوع پرداخت. هانت که سال‌ها در قسمت‌های شمالی هند به سر برد و به اسناد دولتی هند دسترسی داشت، پیروان حرکت‌های جهادی در هند را «شورشیان»^{۲۴} خوانده و سید احمد بریلوی را پیشوای آنها دانسته است.^{۲۵} به نوشته هانت، سید احمد در ۱۲۳۷ه/۱۸۲۲م به مکه سفر کرد و در ۱۲۴۰ه/۱۸۲۴م به زادگاه خود، رای بریلی^{۲۶} بازگشت و در جمادی الثانی ۱۲۴۲/ اکتبر ۱۸۲۶ در کوهستان‌های مرزی پشاور با تبلیغ علیه سیک‌ها که در پنجاب قدرتشان در حال افزایش بود، مردم را به جهاد فراخواند.^{۲۷} هانت بر این باور است که سید احمد، دانشی سطحی درباره اسلام داشت و تا پیش از سفر به حج، عقایدش چارچوب و نظام خاصی نداشت، اما سفر وی به مکه موجب شد تا باورهای ساده‌انگارانه‌اش استوار و سازماندهی شود. سید احمد برآن بود که شهر

۲۱. سید احمد بریلوی نباید با سید احمد رضا بریلوی (۱۸۵۶-۱۹۲۱م)، بنیان‌گذار مکتب بریلوی اشتباه گرفته شود. برای اطلاع از سید احمد رضا بریلوی نگاه کنید به دانشنامه جهان اسلام، ذیل «بریلوی».

22. Sir William Wilson Hunter

او اصالتاً اهل گلاسکو در اسکاتلند بود و تحصیلاتش در دانشگاه گلاسکو و هم‌چنین در بُن آلمان و پاریس در زمینه ادبیات ساسنکریت بود. هانت از سال ۱۸۶۲م به هند رفت.

23. The Indian Musalmans:

این کتاب در ۱۸۷۱م به چاپ رسید. هانت هم‌چنین برای کتاب فرهنگنامه جغرافیایی سلطنتی هند که از ۱۸۶۹م آغاز به نوشتن آن کرد و تا ۱۸۸۹م ۹ جلد از آن را منتشر کرد، شناخته می‌شود. این فرهنگنامه پس از مرگ او ادامه پیدا کرد و در ۲۶ جلد منتشر شد.

24. Rebel

25. Hunter, 9-12.

26. Ray Braily

27. Ibid, 13-14.

توسط کسانی که افکاری مشابه وی داشتند اصلاح شده است؛ از این رو پس از بازگشت به هند، پیرو متعصب جنبش وهابی شد و به مخالفت با «کافران انگلیسی» پرداخت و به فکر تشکیل حکومت اسلامی در هند افتاد.^{۲۸} «نسولیس»^{۲۹} از همکاران هانتر نیز که مقالاتی در ارتباط با مسلمانان هند در روزنامه تایمز^{۳۰} هند به چاپ رساند و بعدها مجموعه آنها در کتابی با عنوان مسلمانان هند^{۳۱} چاپ شد، درباره محمد بن عبدالوهاب نوشته است: «یک اصلاحگر بود که گرایش به باورهای خاصش، به توسط سید احمد و پیروانش در هند تبلیغ شد...»^{۳۲}. پژوهشگران بعدی نیز گفته‌های هانتر را تکرار کردند. مارگولیوٹ معتقد است که اندیشه‌های وهابی به توسط سید احمد در هند ترویج شد. او در بخشی از مقاله وهابیت در ویرایش اول دائرة المعارف اسلام، به دیدگاه‌های هانتر استناد کرده است.^{۳۳} پیسکس نویسنده مدخل «وهابیه» در ویرایش دوم دائرة المعارف اسلام با احتیاط بیشتری، درباره تأثیرپذیری سید احمد از جنبش وهابیت، گوید وی دیدگاهی شبیه به آموزه‌های وهابیان داشت هرچند تأثیرگذاری وهابیت در هند، نیازمند پژوهش‌های بیشتری است.^{۳۴}

پژوهشگران مسلمان هندی با قاطعیت تمام هر گونه ارتباط سید احمد بریلوی را با جنبش وهابیت رد کرده و آن را اتهامی دانسته‌اند که مخالفان جنبش سید احمد ادعا کرده‌اند.^{۳۵} برای قضاوت درباره درستی نظرات انگلیسی‌ها یا پژوهشگران مسلمان هند، نگاهی گذرا به زندگی و اقدامات سید احمد بریلوی سودمند است.

28. Hunter, 60-63.

ظاهراً در اسناد و گزارش‌های دولتی نیز، از کسانی چون سید احمد بریلوی با عنوان وهابی یاد کرده‌اند؛ برای نمونه نک: توضیحی که هانتر در پاورقی شماره ۲ در صفحه ۱۸ کتابش ارائه داده است.

29. Nassau Lees

30. TIMS

31. Indian Musalmans

32. Lees, 9.

33. *EI*, S.V., "Wahhabiya", 1089.

34. *Ibid*, 49.

سید احمد در صفر ۱۲۰۱/۱۷۸۶م در رای بریلی، به دنیا آمد. برخی از نیاکان وی از عالمانی چون شیخ احمد سر هندی (۹۷۱-۱۰۳۴ه/۱۵۶۴-۱۶۲۲م) و شاه ولی الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ه/۱۷۰۳-۱۷۶۳م) دانش‌های دینی را فراگرفته بودند؛ پدر بزرگ سید احمد، محمد بن نور بن محمد هادی (د ۱۱۴۸ه/۱۷۳۶م)، مدتی در خدمت اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ه/۱۶۵۸-۱۷۰۷م) به امور دیوانی مشغول بود. گرایش‌های ضد شیعی و تعصبات دینی و توجه به جهاد را از ویژگی‌های مثبت این خانواده دانسته‌اند.^{۳۶} سید احمد دوران کودکی و نوجوانی را در زادگاهش گذراند و بعدها به لکهنو و سپس در سال ۱۲۲۲-ه/۱۸۰۷م به دهلی سفر کرد. در دهلی از آموزش‌های عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی و عبدالقادر دهلوی بهره برد. شوق به جهاد موجب شد تا در ایام جوانی به کارهای نظامی بپردازد.^{۳۷} سید احمد پس از سفر به شهرهای شمالی هند، برای زدودن بدعت‌هایی که از طریق هندوان در عقاید مسلمانان رسوخ کرده بود، احساس تکلیف کرد؛ برای نمونه، منابع از ازدواج دوم او با زنی بیوه خبر داده‌اند که با نیت مخالفت با سنت هندیان مبنی بر ممنوعیت ازدواج مجدد زنان بیوه، صورت گرفت.^{۳۸} بریلوی با سفر به مناطق مختلف شمال هند و دعوت مردم به جهاد و عمل به سنت و دوری از بدعت‌ها، یاران زیادی را بر خویش گرد آورد.^{۳۹} محمد اسماعیل دهلوی، نوه شاه ولی الله، و مولوی عبدالحی از جمله اشخاص تأثیرگذاری بودند که به او پیوستند، هم‌چنین گروه‌هایی از شهرهای مختلف هند چون سهارنپور، رامپور و بریلی به حرکت سید احمد پیوستند.^{۴۰}

EI2, S.V., "Karamat Ali", 626.

۳۶. رشید الحسنی الندوی، ۵۵-۶۲.

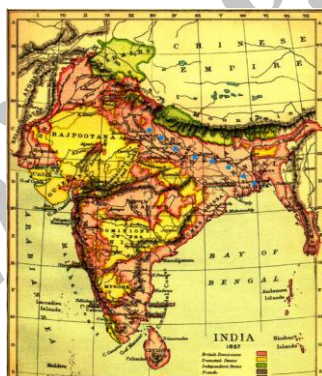
۳۷. اکبرآبادی، ۱۲-۱۸؛ حسنی، ۲۸/۷-۳۰.

۳۸. اکبرآبادی، ۴۳-۴۵.

۳۹. حسنی، ۳۰/۷-۳۱.

۴۰. اکبرآبادی، ۵۶-۵۹.

سید احمد تصمیم گرفت پیش از پرداختن به فریضه جهاد در هند، به حج برود. او سفرش را از رای بریلی به همراه جمعیتی چهارصد نفره در شوال سال ۱۲۳۸/۱۸۲۳م آغاز کرد و با گذر از شهرهای مهم در کنار رود گنگ، هم‌چون الله‌آباد، میرزاپور، بنارس و غازی-پور، به کلکته رفت. در مسیر سفر افراد دیگری نیز به کاروان او پیوستند و شمار همراهانش به حدود هفتصد و پنجاه نفر رسید.^{۴۱} بریلوی و همراهان وی مدتی در مالابار، در جنوب هند اقامت گزیدند و سپس به بندر مَکَلّا و عدن در یمن وارد شدند و از آنجا راهی جدّه و سپس مکه شدند. کاروان سید احمد و یاران هندی‌اش در ۲۸ شعبان ۱۲۳۸/۱۸۲۳م وارد مکه شدند.^{۴۲} آنها تا نیمه صفر سال بعد، یعنی ۱۲۳۹/۱۸۲۳م در مکه ماندند و سپس به مدینه رفتند. کاروان سید احمد حدود هفت ماه، تا رمضان ۱۲۳۹/۱۸۲۴م در مدینه بود و پس از آن به مکه برگشت تا ذی‌قعد ۱۲۳۹/۱۸۲۴م در آن شهر حضور داشت و سپس برای بازگشت به هند، راهی جدّه شد.^{۴۳}



شکل شماره ۱: مسیر حج سید احمد، از رای بریلی تا کلکته: نشانه‌های آبی رنگ (Historical Maps of India)

۴۱. همان، ۶۲-۷۷؛ حسنی، ۳۱/۷.

۴۲. همان، ۹۲؛ نویسنده تاریخ رسیدن به مکه را ۱۲۳۷هـ نوشته است که این موضوع اشتباه است، چرا که او آغاز سفرشان را ۱۲۳۷هـ ذکر کرده بود.

۴۳. همان، ۹۷-۱۰۹.

هانتر معتقد است که شباهت‌های اندیشه‌های سید احمد با وهابیان، موجب اخراج وی و همراهانش از مکه شد.^{۴۴} اما سید محمدعلی اکبرآبادی که در این سفر، همراه سید احمد بود از همکاری وی با والیان مکه سخن گفته است. اکبرآبادی با احترام به سلاطین عثمانی، اظهار داشته که در مسجدالحرام پای منبر عالمانی نشسته‌اند که منصوب حاکم شهر بوده‌اند. از اینها گذشته، کاروان بریلوی برای سفر از مکه به مدینه، شترانی را از حاکم شهر کرایه کردند.^{۴۵} حضور قافله سید احمد در حجاز، توجه مردم را به خود جلب کرده بود.^{۴۶} این کاروان برای اداره امور خود، نیازمند همکاری با حاکم شهر بوده است.^{۴۷}

در دوره حضور سید احمد در حجاز، دولت اول سعودی- وهابی به‌توسط سپاه عثمانی از بین رفته بود و بسیاری از وهابیون به مصر تبعید شده بودند. با این حال عمده فعالیت سعودی‌ها در محدوده بلاد نجد و شهرهای اطراف ریاض متمرکز شده بود. مهم‌ترین فعالیت ترکی بن عبداللّه، امیر سعودی، درگیری با نیروهای عثمانی و فتح برخی از شهرهای اطراف ریاض و بیعت گرفتن از اهالی آن بود.^{۴۸}



شکل شماره ۲: حضور کاروان سید احمد بریلوی (علامت قرمز) در حجاز، هم‌زمان با موقعیت سعودی‌ها (علامت آبی) در شبه جزیره (googlemap).

44. Hunter, 60-63.

۴۵. همان، ۹۵-۹۸.

۴۶. همان، ۹۸.

۴۷. همان، ۱۰۳.

۴۸. ابن بشر، ۲/ ۲۴-۳۶؛ موجانی، اسناد شماره ۸۳، ۷۵، ۸۵ و ۴۹۴-۵۳۰.

از این رو بعید است که سید احمد و همراهان وی، از جنبش وهابیت آگاهی نداشته باشند. با این حال عدم اشاره اکبرآبادی به جنبش وهابیت، شاید به سبب فضای نامناسبی بود که پس از شکست و اخراج وهابیون از حجاز، در مکه و مدینه برضد آنها ایجاد شده بود. سید احمد، بیش از تأثیرپذیری جنبش وهابیت در جزیره العرب، متأثر از اندیشه‌های استادان خویش و نیز محیط هند بود. او پیش از سفر به مکه، تصمیم گرفته بود به جهاد پردازد و با بدعت‌ها مبارزه کند. بنابراین، نوشته‌های هانتر و برخی دیگر از پژوهشگران انگلیسی درباره تأثیرپذیری وی از وهابیان، چندان درست نیست.

بریلوی پس از خروج از جده و بازگشت به هند، در ۱۲۳۹هـ/ ۱۸۲۴م، مدتی در بمبئی اقامت گزید و عده‌ای با او بیعت کردند. سید احمد پس از آن به کلکته رفت و چند ماهی را در آن شهر ماند و به تبلیغ پرداخت.^{۴۹} او پس از بازگشت از حج، حدود دو سال به گردآوری نیرو و سپاه و اسلحه مشغول بود؛^{۵۰} سپس همراه با یارانش، در سال ۱۲۴۱هـ/ ۱۸۲۶م به سمت ایالت پنجاب رفت و با سیک‌های آن منطقه، که از قرن ۱۲هـ/ ۱۸م حکومت قدرتمندی را تشکیل داده بودند، جنگید و توانست اداره آن منطقه را به دست بگیرد و برای اجرای احکام اسلامی در آنجا تلاش کند.^{۵۱} جنگ بین سید احمد و سیک‌ها تا چند سال بعد ادامه یافت و سرانجام سید احمد و بسیاری از یارانش در نبرد «بالاکوت»، در منطقه‌ای کوهستانی در پنجاب، در ۱۲۴۶هـ/ ۱۸۳۱م کشته شدند.^{۵۲} پس از شکست سید احمد، دو تن از کسانی که با او بیعت کرده بودند، یعنی ولایت علی صادق پوری (د ۱۲۶۹هـ/ ۱۸۵۲م) و عنایت علی

۴۹. اکبرآبادی، ۱۱۱.

۵۰. همو، ۱۱۷.

۵۱. هاردی، ۳۶؛ حسنی، ۳۰/۷-۳۱.

۵۲. حسنی، ۳۲/۷.

(د ۱۲۷۳/هـ/۱۸۵۷م) اندیشه‌های وی را پی گرفته مبارزه را ادامه دادند^{۵۳} و دولت انگلیس تا سال‌ها بعد با پیروان این جنبش درگیر بود.

یاران نزدیک بریلوی چون محمد اسماعیل دهلوی و مولانا عبدالحی آثاری درباره سیره او نگاشتند. یکی از یاران نزدیک او اسماعیل دهلوی، نوه شاه ولی الله دهلوی بود که همراه وی به سفر حجاز رفت و پس از بازگشت، در نبرد بالاکوت کشته شد. او نیز چون سید احمد به وهاب‌گری متهم شد.^{۵۴} او در دو اثر خویش به نام صراط مستقیم (به فارسی) و تقویة الایمان (به اردو)، به تبیین آراء خویش و بریلوی پرداخته است. آراء وی در تقویة الایمان، در باره بدعت و شرک و نیز آداب و رسوم شیعیان، شباهت زیادی به اندیشه‌های وهابیان دارد.^{۵۵} ندوی که کتاب تقویة الایمان شیخ اسماعیل دهلوی را با کتاب التوحید محمد بن عبدالوهاب مقایسه کرده معتقد است، همان گونه که مدعیان دین‌داری در میان عرب و عجم نظر مثبت به کتاب ابن عبدالوهاب نداشتند، از کتاب تقویة الایمان شیخ اسماعیل دهلوی نیز در مجالس هند بدگویی می‌شده است.^{۵۶} اما در کتاب صراط مستقیم^{۵۷} که براساس اقوال و رفتار سید احمد نوشته شده است، بیشتر سخن از حب و عشق و ایمان الهی و اطاعت از خداوند است. او سید احمد را با اوصاف «رهنمای طریق استقامت، سداد^{۵۸} مظهر انوار نبوی، منبع آثار مصطفوی، مقتدای اصحاب شریعت، پیشوای ارباب طریقت و...» وصف کرده است.^{۵۹} لزوم پیروی از سنت و دوری از بدعت و

۵۳. حسنی، ۳۵۲ و ۵۳۹-۵۴۰.

۵۴. همو، ۵۸-۶۲؛ صدیق حسن خان قنوجی، ۱۹۹۹، ۲۴۵-۲۴۶.

۵۵. دهلوی، اسماعیل، ۲۰-۲۸، ۱۰۹-۱۱۰؛ حسنی، ۶۰/۷.

۵۶. الندوی، ۱۳۵.

۵۷. از این کتاب ظاهراً نسخه‌های خطی متفاوتی وجود دارد؛ نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تنها نسخه در دسترس در ایران، مستند ما بوده است.

۵۸. درستی، استواری و پایداری.

۵۹. دهلوی، اسماعیل، ۳.

مشرکان صوفی و بدعت‌های رافضی و نقد رسوم هند و بحث در باب اهمیت جهاد، از دیگر موضوعات کتاب است.^{۶۰} او بیشتر بلاد هند را دارالحرب دانسته است،^{۶۱} موضوعی که مسلمانان درباره آن اختلاف داشتند؛ در واقع مسلمین که با انگلیسی‌ها دشمن بودند، هند را دار الحرب می‌دانستند؛ هم‌چنین او سید احمد را از ملازمان شیخ عبدالعزیز دهلوی دانسته که در طریقه نقشبندیه «به شرف بیعت حاصل شد».^{۶۲}

هرچند شباهت‌های زیادی میان آراء اسماعیل دهلوی، با ابن عبد الوهاب دیده می‌شود، اما او را متأثر از جنبش وهابی دانستن چندان درست نیست و نیازمند شواهد و اسناد متقن‌تری است.^{۶۳} اسماعیل دهلوی بیش از هر چیز پیرو اندیشه‌های حدیث‌گرایانه عالمان شبه‌قاره هند و اجداد خود، بود. ظاهراً کتاب صراط مستقیم برای اهالی حجاز، به‌توسط عبدالحی از ملازمان سید احمد، در زمانی که در سفر حجاز بودند، به عربی ترجمه شد.^{۶۴} با وجود شباهت‌های آراء پیروان جنبش بریلوی با جنبش وهابی، پیروان سید احمد چون اکبرآبادی و اسماعیل دهلوی، بارها در تأیید اعتقادات و روش‌های طریقت‌های صوفیانه چون نقشبندیه، چشتیه و قادریه سخن گفته‌اند که می‌تواند دلیل دیگری بر تأثیرناپذیری آنها از اندیشه‌های وهابیان که دشمنی سختی با صوفیان داشتند، باشد.

۶۰. دهلوی، اسماعیل، ۱۰۰، ۱۳۰، ۱۴۶ و ۱۵۳.

۶۱. همو، ۲۰۶.

۶۲. همو، ۳۴۵-۳۴۶.

۶۳. فتح‌الله مجتبابی معتقد است که «سید احمد از افکار وهابیان حجاز متأثر بود و سعی داشت که اصلاح و تصفیه اسلام را در هندوستان بر طبق اصول وهابی انجام دهد...»، نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «اسلام»، ۵۷۷.

۶۴. حسنی، ۲۵۵/۷؛ ما دسترسی به ترجمه این کتاب نداشتیم و تنها به گفته حسنی، نویسنده نزّه الخواطر اعتماد کرده‌ایم.

برای بررسی بیشتر بحث آغاز ورود وهابیت به هند و اثبات عدم ارتباط میان وهابیت و بریلوی، پرداختن به جنبش فرائضیه و تیتومیر در بنگال که هم‌زمان با جنبش بریلوی فعال بودند، سودمند است.

حاجی شریعت‌الله (۱۱۹۵-۱۲۵۶ه/۱۷۸۱-۱۸۴۰م)، رهبر نهضت فرائضی، در روستایی از منطقه فریدپور، در بنگال شرقی (بنگلادش کنونی) به دنیا آمد. او پس از آموختن علوم دینی از سال ۱۲۱۳ه/ ۱۷۹۹م به مکه رفت و در ۱۲۳۳ه/ ۱۸۱۸م به بنگال بازگشت. شریعت‌الله پس از دومین سفر خود به حج در سال ۱۲۳۶ه/ ۱۸۲۱م، به تبلیغ عقاید خود پرداخت.^{۶۵} گفته شده که وی در مکه شاگرد عالمی شافعی بود. تاریخ بازگشت او را به بنگال در سال‌های ۱۲۲۲ه/ ۱۸۰۷م، ۱۲۳۷ه/ ۱۸۲۲م یا ۱۲۴۴ه/ ۱۸۲۸م ذکر کرده‌اند.^{۶۶} وی رهبر جنبشی مذهبی و اجتماعی بود که در بنگال، بر مبارزه با زمینداران و اجرای فرائض دینی تأکید داشت. یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های حاجی شریعت‌الله در کنار جدوجهد برای اجرای فرائض دینی، امور اقتصادی و توجه دولت انگلیس به هندوها و وجود فقر در میان روستاییان مسلمان در مناطق شرقی بنگال بود.^{۶۷} هاردی معتقد است که اگر چه بر اساس اعتقادات فرائضی‌ها، بنگال دارالحرب بود، اما حاجی شریعت‌الله مردم را به جهاد علیه انگلیسی‌ها دعوت نکرد.^{۶۸}

راه حاجی شریعت‌الله را فرزندش دودومیان (۱۲۳۴-۱۲۷۹ه/ ۱۸۱۹-۱۸۶۲م) ادامه داد. او بارها در سال‌های ۱۲۵۴ه/ ۱۸۳۸م، ۱۲۵۷ه/ ۱۸۴۱م و ۱۲۶۰ه/ ۱۸۴۴م به قتل و غارت متهم گردید، اما هر بار از این اتهامات تبرئه شد؛ با این حال در سال ۱۲۶۳ه/ ۱۸۴۷م

65. Hardy, 55; Jain, 60.

66. *EI2*, S.V., "Fara'idiyya", 783.

تفاوت‌هایی بین نظر نویسنده مدخل فرائضیه در دائرة المعارف اسلام با نظر هاردی درباره ماهیت این جنبش وجود دارد:

67. *EI2*, S.V., "Fara'idiyya", 783; Hardy, 55-56.

68. Hardy, 56.

دودومیان و سی نفر از یارانش در فریدپور، به اتهام آتش زدن کارخانه‌ای، مجرم شناخته شدند. دودومیان بعدها با تعیین جانشینانی در مناطق مختلف، اهداف خود را دنبال کرد.^{۶۹}

تیتومیر، تیتومیان یا سید میر نثار علی (۱۱۹۶-۱۲۴۷/هـ/۱۷۸۲-۱۸۳۱م)، مسلمان و مبارز ضد استعمار و رهبر جنبش‌های دهقانی در بنگال نیز از دیگر چهره‌های برجسته و از همفکران بریلوی بود. تیتومیر به‌عنوان مرید سید احمد بریلوی عقاید او را در منطقه بنگال تبلیغ می‌کرد.^{۷۰} تیتومیر با سید احمد بریلوی در مکه ملاقات کرد و سید احمد، او را با طریقه محمدیه (وهابیت)^{۷۱} که متأثر از آرای ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب بود، آشنا کرد. تیتومیر در ۱۲۴۲/هـ/۱۸۲۷م، پس از بازگشت به بنگال، با شعار احیای عقاید اسلامی و مبارزه با بدعت و شرک و توسل، مشغول فعالیت‌های مذهبی شد. حوزه فعالیت او عمدتاً در بنگال غربی بود. او دهقانان را به قیام برضد ظلم زمین‌داران هندو و مسلمان و استعمارگران برانگیخت. وی سرانجام در ۱۲۷۷/هـ/۱۸۳۱م به‌دست نیروهای کمپانی هند شرقی همراه با یارانش کشته شد. حرکت تیتومیر، از نظر هاردی خشن‌ترین جنبش در میان مسلمانان بنگال بود.^{۷۲}

بدین ترتیب در نیمه اول قرن سیزدهم/نوزدهم، سه جنبش مهم و تقریباً هم‌زمان در هند فعال بودند: سید احمد بریلوی در مناطق شمال غربی هند، تیتومیر در بنگال غربی و حاجی شریعت‌الله در بنگال شرقی. اما چرا از میان این سه رهبر، سید احمد بریلوی به عنوان پیشرو جنبش وهابیت در شبه قاره هند، شناخته شده است؟ حال آن که حاجی شریعت‌الله حدود ۲۰ سال، آن هم در سال‌هایی که وهابیان، بر مکه مسلط شده بودند در

69. Ibid, 56-57.

70. *EII*, S.V., "Wahhabiya", 1089.

۷۱. منابعی که به نقل از آنها درباره تیتومیر سخن گفته‌ایم، پذیرفته‌اند که سید احمد متأثر از وهابیت بوده و از این رو گفته‌اند که تیتومیر هم به واسطه سید احمد با طریقه محمدیه یا وهابیه آشنا شد. این موضوع جای بحث دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

72. *EI2*, S.V., "Titu Mir", 550; Hardy, 57.

مکه بود. به نوشته هانتز که در سال ۱۲۸۷هـ/۱۸۷۰م از مناطق شرقی بنگال و دلتای رود گنگ دیدن کرده است، به مسلمانان مبارز منطقه، بیشتر فرائضی اطلاق می‌شده تا وهابی.^{۷۳} به نظر هانتز سال گذشته، وهابی‌های شمال هند با فرائضی‌های بخش‌های پایین بنگال، در کنار یکدیگر مشغول مبارزه بوده‌اند.^{۷۴} اشارات هانتز به روشنی نشان می‌دهد که جنبش فرائضی از همان ابتدا (یعنی شروع جنبش توسط شریعت‌الله)، به عنوان جنبشی متأثر از حرکت محمد بن عبدالوهاب، شناخته نمی‌شده است و هموطنان وی نیز این جنبش را وهابی نمی‌دانسته‌اند؛ از نظر آنها تنها سید احمد و یارانش وهابی بوده‌اند. با این حال یکی دیگر از همکاران هانتز، یعنی نسولیس، در ۱۸۷۱م در مقاله‌ای در روزنامه تایمز هند،^{۷۵} نوشت: محمد بن عبدالوهاب کسی بود که در عربستان بر سلطان شورید. او اصلاح‌گری بود که باورهایش به وسیله سید احمد و یارانش حدود ۴۰ سال پیش به هند راه یافت، و از آن پس، مپلاها،^{۷۶} فرائضی‌ها، تیتومیان‌ها با عنوان کلی، وهابی شناخته می‌شوند که بیشتر آنها در بنگال رشد کرده و خشونت زیادی را به وجود آورده‌اند.^{۷۷} لیس، هانتز را به دلیل این که هر مسلمان اهل جهاد و مبارزه را وهابی خوانده، مورد انتقاد قرار داده است.^{۷۸} اختلاف نظر میان هانتز و لیس، پرده از حقیقتی مهم برمی‌دارد. کسانی که سید احمد را تنها به علت دو سال حضور در مکه، آن هم در زمانی که جنبش وهابیت از حجاز فاصله گرفته بود، عامل ورود و تبلیغ اندیشه‌های وهابی به هند دانسته‌اند، درباره حاجی شریعت‌الله و تأثیرپذیری وی از جنبش وهابیت، سخنی نگفته‌اند. از طرفی هانتز پس از

73. Hunter, 99.

74. Ibid, 100.

۷۵. این روزنامه در ۳ نوامبر ۱۸۳۸م به زبان انگلیسی در هند تأسیس شد.

76. Moplahs

«مپلا» یا «مپلا»، در زبان محلی به معنی داماد و اصطلاحی است که برگروهی از مسلمانان هند اطلاق می‌شود،

نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «اسلام»، ۵۶۴.

77. Lees, 9.

78. Ibid, 14.

گذشت چندین سال از آغاز جنبش‌های بریلوی و فرائضی، از تمایز میان فرائضی و وهابی سخن گفته است، اما لیس همه را با عنوان کلی وهابی می‌شناساند.

سیاست انگلیسی‌ها در رویارویی و برخورد با جنبش‌های اسلامی متفاوت بود. به نوشته هانتز در بین سال‌های ۱۲۱۸-۱۲۲۴ ه/ ۱۸۰۳-۱۸۰۹ م وهابی‌های جزیره العرب در خلیج فارس با انگلیسی‌ها درگیر بودند.^{۷۹} نیز دولت انگلیس، نگران بود که مسلمانان مناطق مختلف جهان اسلام، به واسطه سفر حج، از دعوت وهابی‌ها، متأثر شوند؛ از این رو سیاست‌هایی را برای نظارت بیشتر بر راه‌های حج اعمال می‌کرد. به نظر می‌رسد انگلیسی‌ها تنها جنبش‌هایی را وهابی می‌خواندند که با سیاست‌های آنها مخالف بودند؛ هر چند که پیروان همه این جنبش‌ها اعتقاداتی شبیه هم و مشابه اعتقادات وهابیان داشتند.^{۸۰} از این رو شکی نیست که اطلاق اصطلاح وهابی بر جنبش‌های اسلامی، بیش از آن‌که بیان‌کننده واقعیت و ماهیت این جنبش‌ها باشد، کاربردی سیاسی داشته است. اطلاق وهابی به گروه‌های جهادی، علاوه بر شمال هند و بنگال، ظاهراً در جاهای دیگر هم مرسوم بود. هانتز که پنجاب را مقر اصلی شورشیان دانسته معتقد است که فعالیت آنها تنها به پنجاب محدود نیست و حدود سی سال پیش، یکی از همکارانش، او را از فعالیت گروهی از وهابیان در حیدرآباد دکن آگاه کرده بوده است.^{۸۱}

نتیجه

با توجه به شهرت آراء و عقاید محمد بن عبدالوهاب و جنبش وی در حجاز و به‌ویژه در مکه، در سال‌های آغازین شکل‌گیری دعوت وی، به نظر می‌رسد مسلمانان سایر بلاد

79. Hunter, 59.

۸۰. گفتنی است که انگلستان در آن سال‌ها در تمامی مناطق تحت نفوذ خود، خلیج فارس و دریای سرخ و هند و ... نمایندگی‌هایی داشت که همه آنها با یکدیگر در ارتباط بودند.

81. Ibid, 42.

اسلامی از جمله شبه قاره هند به واسطه حضورشان در شهرهای حجاز، به‌ویژه در موسم حج، از دعوت وهابی در نیمه دوم قرن ۱۸/۱۲ م آگاهی یافته بودند. با آغاز قرن ۱۹/۱۳ م و شروع حرکت‌های جهادی در هند، که اغلب به‌هدف مخالفت با سیاست‌های دولت انگلیس به‌راه افتاده بود، توجه انگلیسی‌ها به جنبش‌های جهادی معطوف شد. انگلیسی‌ها که نگران بودند حضور مسلمانان جهادگرای هندی در موسم حج، فرصتی را برای آنها فراهم سازد تا با دعوت وهابی و اندیشه‌های وهابیان، آشنا شوند، با اطلاق اتهام «وهابی» به برخی از مسلمانان هندی، از جمله سید احمد بریلوی، به مقابله با آنها پرداختند. در واقع وهابی خواندن برخی از مسلمانان هندی بیش از آن‌که از ماهیت عقاید آنها خبر دهد، نشان‌دهنده مخالفت رهبران این جنبش‌ها با حضور انگلیسی‌ها در هند بود. فعالیت‌های انگلیسی‌ها برضد این جنبش‌ها موجب شده که واژه «وهابی» در شبه قاره از همان سال‌های آغازین، معنایی منفی از فعالیت‌ها و عقاید این گروه، به ذهن متبادر کند. به‌نظر می‌رسد ترویج اصطلاح «وهابی» زمینه‌ای شد برای این موضوع تا مسلمانان و برخی عالمان دینی در هند، در دهه‌های بعد در جست‌وجوی شناخت بیشتری از آراء محمد بن عبدالوهاب برآیند. از این رو در نیمه دوم قرن ۱۹/۱۳ م و نیمه اول قرن ۲۰/۱۴ م آثاری در دفاع از آراء وهابیان نوشته شد و میان علمای مسلمان نجد و هند روابطی برقرار شد.

کتابشناسی

- آلوسی، محمود شکری، تاریخ نجد، تحقیق محمد بهجة الاثری، قاهرة، ۱۳۴۳هـ/۱۹۲۵م.
- ابن غنام، تاریخ نجد، تحقیق ناصر الدین اسد، دارالشروق، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۴م.
- ابن بشر، عنوان المجد فی تاریخ النجد، ریاض، مطبوعات دار الملك عبد العزيز، ۱۴۰۲هـ/۱۹۸۲م.
- ابوالمکرم بن عبدالجلیل، دعوة الامام محمد بن عبد الوهاب بین مویدها و معارضیها فی شبه القارة الهندية، المملكة العربية السعودية، دارالسلام لنشر و التوزيع، ۱۴۲۱هـ.
- اکبرآبادی، سید محمد علی، مخزن احمدی، آگره، ۱۲۹۹هـ (چاپ سنگی).
- بهبهانی، آقا احمد، مرآت الاحوال جهان نما، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۳ش.

حسنى، عبدالحى، نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد، ۱۳۹۹ھ / ۱۹۷۹م.

خطب الامام محمد بن عبد الوهاب و بعض احفاده، مکه، مطبعة ام القرى، ۱۴۱۹ھ / ۱۹۹۹م.
خليل الرحمن، عبد الوهاب، الدعوة السلفية في شبه القارة الهندية و اثرها في مقاومتي الانحرافات الدينية، جامعة ام القرى، ۷-۱۴۰۶ھ.

دهلوى، محمد اسماعيل، صراط مستقيم (نسخه خطى).

دهلوى، اسماعيل، رسالة التوحيد، ترجمه ابوالحسن على الحسنى الندوى، لكهنو، ۱۳۹۴ھ / ۱۹۷۴م.

دهلوى، عبدالحق، اشعة اللمعات في شرح مشكاة، بمبئي، ۱۲۷۷ھ (چاپ سنگى).

رشيد الحسنى الندوى، محمد واضح، الامام محمد بن عرفان الشهيد، لكهنو، ۱۴۲۶ھ / ۲۰۰۵م.

زركلى، خيرالدين، الاعلام، دارالعلوم للميادين، بيروت، ۲۰۰۵م.

سهسوانى هندى، محمد بشير، صيانة الانسان عن وسوسة الشيخ دحلان، مصر، مطبعة المنار، ۱۳۵۱ھ.

همو، صيانة الانسان عن وسوسة الشيخ دحلان، دهلى، مطبعة الفاروقية، بى تا (چاپ سنگى).

عبدالرحمن بن عبد اللطيف، مشاهير علماء نجد و غيرهم، رياض، داراليمامة للبحث و الترجمة و النشر، ۱۳۹۴ھ.

مصلح الدين، محمد، الحركة السلفية في البنغال، رياض، جامعة الامام محمد بن سعود، ۱۴۱۲ھ.

ميرزا ابو طالب خان، مسير طالبي، به كوشش حسين خديوجم، تهران، ۱۳۶۳ش.

موجانى، على، تقارير نجد يا گزارش هاى دولتمردان عثمانى مقارن ظهور محمد بن عبد الوهاب و استقرار دولت نخست آل سعود در نجد و حجاز، قم، كتابخانه تخصصى تاريخ اسلام و ايران، ۱۳۹۰ش.

مولفات الشيخ الامام محمد بن عبد الوهاب، رياض، المركز الاسلامى للطباعة و النشر، بى تا.

الندوى، مسعود، محمد بن عبد الوهاب مصلح مظلوم و مفترى عليه، ترجمة عبدالعليم عبدالعظيم البستوى، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية، ۱۴۰۴ھ / ۱۹۸۴م.

هاردى. پى، مسلمانان هند بریتانیا، ترجمه حسن لاهوتى، مشهد، بنياد پژوهش هاى اسلامى، ۱۳۶۹ش.

Allen, Charles, *The Hidden Roots of Wahhabism in British India*, World Policy Journal, 22: 2, 2005.

Burckhardt, John Lewis, *The Bedouins and Wahabys*, Vol.2, London, 1831.

- EII*, Vol.8, S.V., "Wahhabiya", by D.S. Margolouth, Leiden, Brill, 1987.
- EI2*, Vol.2, S.V., "Fara'idiyya", by A. Bausani, Leiden, Brill, 1991.
- EI2*, Vol.4, S.V., "Karamat Ali", by A. Yusuf Ali, Leiden, Brill, 1997.
- EI2*, Vol.4, S.V., "Islah", by Aziz Ahmad, Leiden, Brill, 1997.
- EI2*, Vol.10, S.V., "Titu Mir", by Muhammad Yusuf Siddiq, Leiden, Brill, 2000.
- EI2*, Vol.11, S.V., "Wahhabiya", by Esther Peskes-W. Ende, Leiden, Brill, 2002.
- Grewal, J.S, *The New Cambridge History of India, The Sikhs of the Punjab*, Cambridge University Press, 2008.
- Grewal, J.S & Habib, Irfan, *Sikh History from Persian Sources*, New Delhi, 2001.
- Hunter, W.W, *The Indian Musalmans*, London, 1871.
- Hardy, P., *The Muslims of British India*, Cambridge, 1972.
- Jain, M.S., *Muslim Political Identity*, New Delhi, 2005.
- Lees, W.Nassau, *Indian Musalmans; being Three Letters Reprinted from The TIMS...*, London, 1871.
- Moon, Penderel, *The British Conquest and Dominion of India*, London, 1989.
- Traboulsi, Samer, *An Early Refutation of Muḥammad ibn 'Abd al-Wahhāb's Reformist Views*, *Die Welt des Islams*, New Series, V. 42, 2002.